

یادداشت

دکترین دو ستونی ترامپ متکی بر ترکیه و عربستان



سیدمحمد حسینی

سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی

پیچیدگی، ابهام، آشوب و عدم قطعیت، وصف حال این روزهای خاورمیانه است که با اضافه‌شدن ترامپ با خصلت «پیش‌بینی‌ناپذیری» معضله خاورمیانه پیچیده‌تر و ابهام‌آمیزتر خواهد شد. با این همه اما، برخی از کنش‌های بازیگران قابل پیش‌بینی است؛ از جمله تداوم سیاست «موازنه از دور» (offshore –balancing) آمریکا در منطقه که از دوران اواما آغاز شده و با مواضع و رویکردهای ترامپ هم سازگار است و از قضا ترامپ و تیمش نیز بر ادامه این روند با شعار «اول آمریکا» تأکید داشته‌اند.

«موازنه از دور» ابزاری دارد و مهم‌ترین ابزار آن هم‌بیمانانی هستند که به آنها اجازه مسئولیت می‌شود.

سؤال اصلی این است که کدام کشور یا کشورها قرار است در دولت دوم ترامپ، نظم‌سازی کنند و منافع بلوک غرب به رهبری آمریکا را در خاورمیانه نمایندگی کنند؟

با نگاهی به تحولات منطقه طی دو سال گذشته می‌توان به این سؤال پاسخ داد. از سال ۲۰۲۳ تاکنون، خلا قدرت در چند ناحیه از منطقه خاورمیانه رخ داد و بازیگرانی که این خلا را با کمک آمریکا پر کردند، قرار است بار اصلی نظم جدید در خاورمیانه را بر دوش بکشند.

خلا قدرت (power vacuum) روندی است که در سال‌های اخیر در

زیرسیستم یا مناطق مختلف شکل گرفته و توازن قدرت را تغییر داده است. خلا قدرت ریشه در جنگ فرسایشی، جنگ داخلی، دولت ضعیف یا ورشکسته (failed state) و خروج قدرت مداخله‌گر خارجی دارد.

سقوط سوریه نتیجه خلا قدرت بود. جنگ داخلی و دولت ضعیف در سقوط یشار نقش داشتند اما مهم‌ترین عامل سقوط سوریه، راهشادگی سوریه توسط روسیه بود.

روسیه اراده‌ای برای حفظ بشار نداشت، در نتیجه ترکیه از خلا قدرت در سوریه بهره برد و آن را پر کرد.

خلا قدرت در منطقه قفقاز هم ایجاد شده است. جنگ فرسایشی روسیه در اوکراین باعث راهشادگی قفقاز از نفوذ روسیه شده و در نتیجه این خلا توسط ترکیه و رژیم صهیونیستی درحال پرشدن است. ترکیه تا الان بزرگ‌ترین برنده خلا قدرت در سوریه و قفقاز بوده است، هرچند در ادامه با چالش‌هایی مواجه خواهد شد.

ترک‌ها با نفوذ در دولت جدید سوریه و تقویت محور ترکی–آذری در قفقاز، خلا روسیه را پر کردند و موازنه قدرت را در خاورمیانه و قفقاز به نفع خود تغییر دادند. پیش‌بینی می‌شود ترکیه تلاش خواهد کرد در سال‌های آینده به هاب اقتصادی منطقه تبدیل شود. ژئوپلیتیک ممتاز ترکیه، این توانایی را به این کشور می‌دهد تا برای تبدیل‌شدن به هاب ترانزیتی منطقه تلاش کند. ترکیه در هیدروپلیتیک نیز دست به تلاش‌های گسترده‌ای زده است، سدهای احداث‌شده توسط ترکیه براساس نقشه راه آبی ترکیه طراحی شده‌اند.

البته قطعاً ترکیه در ادامه با مشکلات و چالش‌های جدی نیز مواجه خواهد شد. از سوی دیگر، عربستان نیز با مرجعیتی که میان کشورهای عربی حاصل کرده و لابی قدرتمند در اروپا–آمریکا و توان اقتصادی طمع‌انگیزی که برای ترامپ دارد، هم‌بیمان مطمئن ترامپ خواهد بود.

بر این اساس:

۱– با تضعیف روسیه در جنگ اوکراین و تحریم‌های فزاینده آمریکا و اروپا علیه ایران و روسیه و افزایش تنفر از اسرائیل پس از جنگ غزه و لبنان، فعلاً و تا مدتی شرایط برای ارتقای جایگاه و نقش آفرینی ترکیه و عربستان فراهم شده است.

۲–انتخاب جوزف عون، متحد محمد بن‌سلمان در لبنان و راهبرد او مبنی‌بر تمرکز قدرت نظامی در دستان ارتش، حزب‌الله را در محاصره شدیدتری قرار خواهد داد و نفوذ عربستان در لبنان را تشدید خواهد کرد.

۳– روندها نشان می‌دهد سیاست‌های منطقه‌ای عراق نیز از بی‌طرفی منفی به بی‌طرفی مثبت با سویه‌های عربی تغییر کرده است.

۴– مجموعه تحولات منطقه شامات، از ۷ اکتبر تاکنون، تحولات خلیج فارس از ۱۰ مارس ۲۰۲۳ تاکنون و منطقه قفقاز از جنگ قره‌باغ ۲۰۲۲ تاکنون موجب تغییر توازن قدرت در منطقه خاورمیانه به سود ترکیه و عربستان شده است.

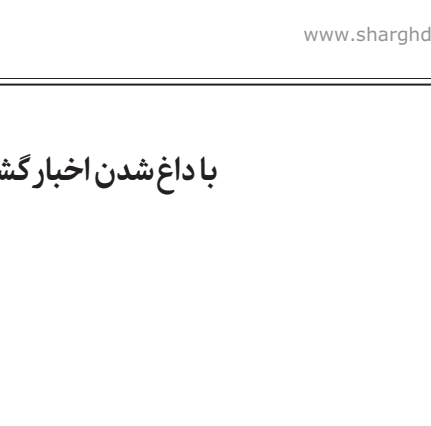
۵– با توجه به تداوم راهبرد موازنه‌سازی از دور توسط دولت ترامپ، به نظر می‌رسد ترامپ سیاست احاله مسئولیت را در خاورمیانه دنبال خواهد کرد و بار اصلی را بر دوش عربستان و ترکیه خواهد گذاشت. دکترین دو ستونی ترامپ با محوریت ترکیه و عربستان، راهبرد احتمالی ترامپ در منطقه خواهد بود.

گزارش

زوال ارتش سوریه در جنگ داخلی

اولا، ایران مانند سوریه یا برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه مانند ترکیه، عراق، لبنان و اسرائیل نیست که شکاف قومی یا مذهبی بر شکاف سیاسی افزوده شود. تضاد اکثریت سنی با اقلیت علوی در ایران وجود ندارد و در نتیجه این شکاف در درون ارتش و نیروهای مسلح ایران هم موجود نیست که به فروپاشی آنها مانند مدل سوریه منتهی شود. ثانیاً، برخلاف سوریه که ایران و روسیه به کمک دولت آن آمدند و بازیگران خارجی دیگر نیز به طور وسیع فعال شدند، روند تحولات مشابهی در ایران وجود ندارد. ثالثاً، میان نظام بعثی سوریه که چیزی از جنس نظام بعثی عراق با همان شیوه و استراتژی بود، با نظام سیاسی ایران تفاوت‌های بسیاری وجود دارد که نمی‌توان آنها را با هم مقایسه کرد. رابعاً، روحیه و ذهنیت مردم ایران هم مانند سوریه نیست.

با آنکه ایران نیروهای مسلح گسترده و قدرتمندی دارد، اما آن چیزی که کشور را از ناامنی و درگیری با وجود همه مشکلات، فشارها و تحریم‌ها حفظ کرده، خود مردم ایران بوده‌اند. در ایران، اصولاً امنیت، مردم‌ساخته است و اگر مردم همراهی نکنند، تصور تأمین امنیت بهبوده و خیالی است. به سبب همین همراهی بوده که وضعیتی مانند سوریه پیش نیامده و پیش هم نخواهد آمد.



وحیده کریمی؛ علی‌اب‌د‌العلی‌زاده از مذاکره با آمریکا حمایت کرده و مجمع تشخیص مصلحت نظام هم از آغاز بررسی دو لایحه CFT و پارلمو خبر داده و تلفیق این دو خبر و امید برای رفع تحریم‌ها از جمله رفع خودتحریمی ایران با ماندن در لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف اما رادیکال‌ها را خشمگین کرده است. مخالفان پیوستن ایران به گروه اقدام ویژه مالی که در حقیقت در رسته موافقان باقی‌ماندن ایران در لیست سیاه این گروه و ادامه خودتحریمی ایران در دنیا هستند، در چند روز گذشته موجی از حملات را به دولت و مجمع روانه کردند تا مانع ادامه روند فعلی شوند و دراین‌بین چه تریونی بهتر از صحن علنی مجلس و فریاد وامصبیتا که وطن به تاراج رفت از سوی نمایندگان این جریان در بهارستان؛ حملاتی که بی‌پاسخ نماند تا جایی که حتی علی شمخانی هم وارد کود شد و در واکنش به اعتراضات درباره بررسی اف‌ای‌تی‌اف در مجمع تشخیص مصلحت نظام، اظهار کرد «بررسی لوایح CFT و پارلمو در مجمع تشخیص مصلحت، فرصتی برای تبادل آرای کارشناسی است و این فرایند نباید با تعابیری مانند

وطن‌فروشی مورد حمله قرار گیرد». اصغر فخریه‌کاشان، معاون ارزی اسبق بانک مرکزی، هم اظهار کرد «پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی کشور و کاهش فشارهای تحریمی کمک کند». او در مصاحبه‌ای با

یورنیوز افزود که آقای پزشکیان با رهبر انقلاب به تفاهم رسیده است.

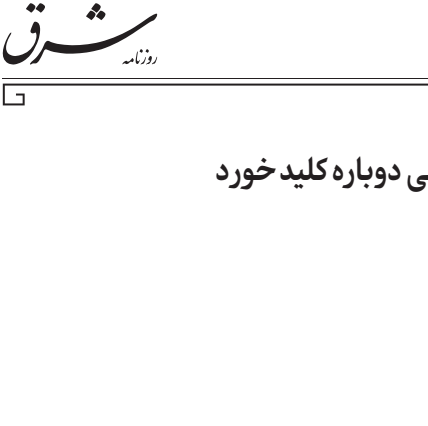
همچنین مصطفی پوردهقان، عضو فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خبرآنلاین در واکنش به اصرار خارج از قانون برخی نمایندگان برای برگشت اف‌ای‌تی‌اف به مجلس شورای اسلامی و فریادهایشان در بهارستان، گفت: مانند موضوعات دیگر، درباره اف‌ای‌تی‌اف بحث‌هایی مطرح است. آقایانی که روز دوشنبه در مجلس شروع به فریاد و هوارزدن کردند، حجره پاره کردند و گفتند مشمت توی دهان آدم‌ها می‌زنند و این الفاظی که به کار بردند و به دولت و افراد پریدند، بدانند که این ادبیات هیچ جایی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ندارد. این افرادی که می‌خواهند جلوتر از همه بپرند، تمایت‌خواه هستند و فکر می‌کنند فقط خودشان می‌فهمند و حتی از اسم شهید و جایز استفاده کردند. واقعا افرادی هستند که هیچ منفعتی برای کشور ندارند، غیر از اینکه فضا را احساسی کنند. او افزود: نکته دوم این است که اگر قرار است مشتی بر دهان کسی زده شود، باید به دهان آن کسی بزنند که با کارهای احساسی از قبیل آتش‌زدن برجام دلار هفت هزارتومانی را به ۸۰ هزار تومان رساند. نکته سوم اینکه آرا و افکار اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام مشخص است و براساس این رأی می‌دهند. ما در شرایطی قرار گرفتیم که مخالفت با موافقت با اف‌ای‌تی‌اف در شرایط خاصی مطرح می‌شود. از طرفی می‌گوییم ما می‌خواهیم شفاف شویم که هزینه‌های تحریم بر ما تحمیل نشود،



اما از آن طرف ما الان در شرایط تحریمی قرار داریم؛ یعنی قرار نیست با پذیرش اف‌ای‌تی‌اف، تحریم‌ها برداشته شوند.

محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور اسبق، نیز با اشاره به اهمیت حل مشکلات مربوط به اف‌ای‌تی‌اف و تحریم‌ها به طور موازی، بر لزوم پیوستن ایران به اف‌ای‌تی‌اف برای تسهیل در مراودات مالی و بانکی و کاهش محدودیت‌های بین‌المللی تأکید کرد.

احمد بیگدلی، نماینده مردم خدابنده در مجلس شورای اسلامی، نیز در نشست علنی مجلس در روز دوشنبه تأکید کرد که دولت از مقام معظم رهبری اجازه گرفته است که مباحث مربوط به اف‌ای‌تی‌اف در مجمع تشخیص مصلحت نظام مجددا بررسی شود و نباید از ولی فقیه زمان جلو بقیتم. منصور حقیقت‌پور، نماینده ادوار مجلس، هم در واکنش به رفتارهای نماینده تهران، اظهار کرد که رادیکال‌ها، حلقه ورشکسته‌های هستند که از مردم شکست سختی خورده‌اند و با ادبیات سخیف قصد دارند خود را مجددا بازیابی کنند. او این رفتارها را به کسی که در دریا وضعیت غرق‌شدگی دارد و به هر چیزی چنگ می‌زند تا خود را نجات دهد، تشبیه کرد. به گزارش چندثانیه؛ حقیقت‌پور همچنین اشاره کرد که به لطف وفاق تعریف‌نشده دولت چهاردهم، برخی تریون‌ها همچنان در اختیار تندرروها است. او تأکید کرد که اگر قرار است با آمریکا مذاکره کنیم، مملکت صاحب دارد. همچنین اگر قرار است اف‌ای‌تی‌اف بار دیگر بررسی شود، تندرروها باید پاسخ‌گو باشند که چگونه ۱۰ سال باعث عذاب و سختی شهروندان ایرانی شدند و به کشور خسارت زدند. حقیقت‌پور اظهار کرد که امروز مملکت به آرامشی رسیده که می‌خواهند اف‌ای‌تی‌اف را مجددا بررسی کنند و



امیدوار است مجمع تشخیص، مصلحت نظام را بهتر درک کند و جلسه بررسی اف‌ای‌تی‌اف را از رسانه ملی پخش کند تا مردم جریان‌های درست را از جریان‌های نادرست تشخیص دهند. او همچنین تأکید کرد که مملکت اصول و چارچوب دارد و با دادزدن و فریادزدن چهار نفر که در دوره احمدی‌نژاد هم‌کاره بودند و اکنون منزوی شده‌اند، حاکمیت مسیر خود را تغییر نخواهد داد.

پیوستن ایران به گروه اقدام ویژه مالی (اف‌ای‌تی‌اف) به دلایل مختلفی به موضوعی چالش‌برانگیز تبدیل شده است. این موضوع تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد، سیاست داخلی و روابط بین‌المللی کشور دارد. اختلافات و تنش‌های سیاسی ناشی از این موضوع باعث شده که گروه‌های مختلف نظرات متفاوتی درباره پیوستن ایران به اف‌ای‌تی‌اف داشته باشند.

در پنج سال گذشته که با حضور ایران در لیست سیاه حتی مراده بانکی و مالی با کشورهای دوست ازجمله چین و روسیه ناممکن بوده، چهره‌های تندرونی که همیشه در مقابل ارتباط ایران با دنیا قرار داشتند، در این زمینه هم به صف‌آرایی در برابر دولت‌های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم پرداخته‌اند؛ اقلیتی که معتقدند با پیوستن ایران به گروه اقدام ویژه مالی، ممکن است نگرانی‌هایی از بابت افشای اطلاعات مالی ایران رخ دهد. آنها معتقدند که پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف می‌تواند منجر به افشای این اطلاعات و در نتیجه تحریم‌های بیشتر علیه ایران شود. همچنین برخی از منتقدان معتقدند که پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف به معنای پذیرش استانداردهای غربی و وابستگی بیشتر به نظام مالی جهانی خواهد بود.

این در حالی است که با خروج ایران از لیست سیاه شاهد رفع هزینه‌های تحمیلی به اقتصاد ایران خواهیم بود. همچنین پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف می‌تواند به تسهیل در مراودات مالی و بانکی ایران با دیگر کشورها کمک کند. کاهش فشار به بازار غیررسمی ارز هم از دیگر مزایای پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف است و می‌تواند فعالان اقتصادی را به انجام معاملات در بازار رسمی ارز سوق دهد. مهم‌تر از همه اینکه به افزایش شفافیت مالی منتج خواهد شد و خود عاملی در کاهش فساد مالی خواهد بود.

به هر حال پیوستن ایران به اف‌ای‌تی‌اف می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کشور و افزایش شفافیت مالی کمک کند و ایران را از تحمل بار سنگین ناتوانی در انجام مبادلات تجاری و بانکی با دنیا نجات خواهد داد؛ به‌ویژه اگر مذاکرات آتی با اروپا و البته آمریکا موفقیت‌آمیز باشد و تلاش‌ها برای رفع تحریم‌ها کلید بخورد، می‌توان شاهد بهبود شرایط اقتصادی در داخل بود که برای کاسبان تحریم خبر خوشی نیست و همین امر سبب مقابله شدیدتر آنها و نزدیکان‌شان با بازشدن گره‌های روابط ایران با دنیا خواهد شد.

اکنون دو طرف ایران و اروپا به دنبال ارزیابی از همدیگر هستند تا ببینند چه مسیری باید در پیش بگیرند و چه مذاکراتی می‌توانند داشته باشند. در حال حاضر، سؤالات و ابهامات زیادی وجود دارد که این مذاکرات در چه موضوعاتی، در چه سطحی و در چه فرمتی قرار است برگزار شود؟ آیا اروپایی‌ها همچنان در قالب کمیسیون مشترک برجام یعنی در کنار روسیه، حاضر به مذاکره رسمی با ایران هستند یا باید فرمت جدیدی تعریف کرد؟ به هر حال نمی‌توان منکر تأثیرات جدی جنگ اوکراین بر مذاکرات ایران و اروپا بود.

امکان دارد دیگر اروپایی‌ها حاضر نباشند در کنار روسیه مذاکرات با ایران را آغاز کنند. سؤال دیگری که مطرح است، این خواهد بود که چه فرمت جدیدی می‌تواند برای ایران هم مناسب باشد و ما را به اهداف و منافع خودمان برساند؟ من نظر و پاسخی قطعی در این رابطه ندارم، اما هم‌زمان باید به این نکته هم اذعان کرد که بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ، شاید رئیس‌جمهور آمریکا نیز به دنبال فرمت و شکل جدیدی از مذاکرات باشد که امکان دهد تا خود او محور و کانون نوعی نمایش سیاسی باشد. لذا روان‌شناسی ترامپ هم اینجا بسیار حائز اهمیت است، چون به نظر من، دونالد ترامپ فردی است که می‌خواهد چهره اصلی مذاکرات با ایران باشد. به بیان دیگر، سیاست ترامپ احتمالاً چیزی بین «نیمه‌دیپلماسی و نیمه‌نمایشی» خواهد بود. پس واقعا باید این احتمال را در نظر گرفت که ترامپ قبول نداشته باشد معانوان و مدیرکل‌های وزارت خارجه‌ها، ماه‌ها بر روی مسائل و موضوعات مختلف گفت‌وگو کنند و نقش و جایگاه فردی مانند دونالد ترامپ در سایه قرار گیرد. در مجموع، این عدم قطعیت‌ها، ابهامات، سؤالات و تردیدها هرکدام سبب شده است فعلاً آنچه در زئو می‌گذرد، یک ارزیابی، دیدار و گفت‌وگوهای اولیه باشد با این هدف که به تک‌تک این پرسش‌ها پاسخ داده شود و به نحوی، بستر و فضای مثبت برای آغاز مذاکرات رسمی شکل بگیرد.

ک **و همه اینها تا قبل از روی کار آمدن دونالد ترامپ غیرممکن است؟**

به هر حال بحث اصلی آمریکا‌کاست. همیشه این‌گونه بود؛ چون آمریکا‌کاست که از برجام خارج شد و آمریکا‌کاست که اعمال تحریم کرد. لذا این مذاکره ما با آمریکا‌کاست که تعیین‌کننده خواهد بود و می‌تواند به برداشته‌شدن تحریم‌ها منجر شود. البته باز هم اینجا تأکید می‌کنم این گفته من لزوماً منافی با مذاکرات با اروپا ندارد، اما در این قبیل بحث‌ها، اولویت با آمریکا‌کاست.

ک **وضعیت داخلی را چگونه می‌بینید؟ آیا ما شاهد صداییی واحد برای آغاز مذاکرات هستیم یا برخی بد اخلاقی‌های سیاسی رادیکال‌ها مانند نطق تند کوچک‌زاده در مجلس دوازدهم می‌تواند آغاز کارشکنی‌ها باشد؟**

در پاسخ ما باید دو موضوع را از هم تفکیک کنیم؛ یکی مربوط به اظهارنظر‌ها، موضع‌گیری‌ها، سخنرانی‌ها، نطق‌ها و مصاحبه‌هاست. اینجا هر فردی با هر نگرش سیاسی می‌تواند ارزیابی خود را داشته باشد. این یک روند قابل قبول، آزاد و طبیعی است که در همه کشورها هم وجود دارد که هر جریان سیاسی و هر فرد و طیفی بتوانند آزادانه نظر خود را مطرح کند. موضوع اینجا‌کاست که ما باید در سطوح تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرایی شاهد صدایی واحد باشیم. اینجا دیگر تشتت آرا و مواضع متفاوت از سوی مقامات اجرایی قابل دفاع نیست؛ چون بعد از سیاست‌گذاری و گرفته‌شدن تصمیمات لازم باید به شکل واحد این تصمیمات اجرا شود و اگر اختلاف‌نظر تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان وجود دارد، باید در خفا و غیرعلنی انجام شود. ما با طیف گسترده‌ای از رسانه‌ها، شخصیت‌ها، نمایندگان مجلس، کارشناسان و تحلیلگران مواجهیم که باید بتوانند آزادانه نظر خود را مطرح کنند، اما در کل باید یک نظم و انضباط برای اجرایی‌کردن سیاست‌ها در سطح مقامات تصمیم‌گیر و اجرایی وجود داشته باشد. همچنان که در کل دنیا بنا بر همین است. آن چیزی که برای طرف‌های مقابل تعیین‌کننده است، مواضع رسمی از طرف مقامات اجرایی است که باید هماهنگی لازمی با همدیگر داشته باشند، نه لزوماً نطق یک نماینده مجلس یا نظر یک کارشناس، روزنامه‌نگار و ...

موتور داغ زئو

اکنون دو طرف ایران و اروپا به دنبال ارزیابی از همدیگر هستند تا ببینند چه مسیری باید در پیش بگیرند و چه مذاکراتی می‌توانند داشته باشند. در حال حاضر، سؤالات و ابهامات زیادی وجود دارد که این مذاکرات در چه موضوعاتی، در چه سطحی و در چه فرمتی قرار است برگزار شود؟ آیا اروپایی‌ها همچنان در قالب کمیسیون مشترک برجام یعنی در کنار روسیه، حاضر به مذاکره رسمی با ایران هستند یا باید فرمت جدیدی تعریف کرد؟ به هر حال نمی‌توان منکر تأثیرات جدی جنگ اوکراین بر مذاکرات ایران و اروپا بود.

امکان دارد دیگر اروپایی‌ها حاضر نباشند در کنار روسیه مذاکرات با ایران را آغاز کنند. سؤال دیگری که مطرح است، این خواهد بود که چه فرمت جدیدی می‌تواند برای ایران هم مناسب باشد و ما را به اهداف و منافع خودمان برساند؟ من نظر و پاسخی قطعی در این رابطه ندارم، اما هم‌زمان باید به این نکته هم اذعان کرد که بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ، شاید رئیس‌جمهور آمریکا نیز به دنبال فرمت و شکل جدیدی از مذاکرات باشد که امکان دهد تا خود او محور و کانون نوعی نمایش سیاسی باشد. لذا روان‌شناسی ترامپ هم اینجا بسیار حائز اهمیت است، چون به نظر من، دونالد ترامپ فردی است که می‌خواهد چهره اصلی مذاکرات با ایران باشد. به بیان دیگر، سیاست ترامپ احتمالاً چیزی بین «نیمه‌دیپلماسی و نیمه‌نمایشی» خواهد بود. پس واقعا باید این احتمال را در نظر گرفت که ترامپ قبول نداشته باشد معانوان و مدیرکل‌های وزارت خارجه‌ها، ماه‌ها بر روی مسائل و موضوعات مختلف گفت‌وگو کنند و نقش و جایگاه فردی مانند دونالد ترامپ در سایه قرار گیرد. در مجموع، این عدم قطعیت‌ها، ابهامات، سؤالات و تردیدها هرکدام سبب شده است فعلاً آنچه در زئو می‌گذرد، یک ارزیابی، دیدار و گفت‌وگوهای اولیه باشد با این هدف که به تک‌تک این پرسش‌ها پاسخ داده شود و به نحوی، بستر و فضای مثبت برای آغاز مذاکرات رسمی شکل بگیرد.

ک **و همه اینها تا قبل از روی کار آمدن دونالد ترامپ غیرممکن است؟**

به هر حال بحث اصلی آمریکا‌کاست. همیشه این‌گونه بود؛ چون آمریکا‌کاست که از برجام خارج شد و آمریکا‌کاست که اعمال تحریم کرد. لذا این مذاکره ما با آمریکا‌کاست که تعیین‌کننده خواهد بود و می‌تواند به برداشته‌شدن تحریم‌ها منجر شود. البته باز هم اینجا تأکید می‌کنم این گفته من لزوماً منافی با مذاکرات با اروپا ندارد، اما در این قبیل بحث‌ها، اولویت با آمریکا‌کاست.

ک **وضعیت داخلی را چگونه می‌بینید؟ آیا ما شاهد صداییی واحد برای آغاز مذاکرات هستیم یا برخی بد اخلاقی‌های سیاسی رادیکال‌ها مانند نطق تند کوچک‌زاده در مجلس دوازدهم می‌تواند آغاز کارشکنی‌ها باشد؟**

در پاسخ ما باید دو موضوع را از هم تفکیک کنیم؛ یکی مربوط به اظهارنظر‌ها، موضع‌گیری‌ها، سخنرانی‌ها، نطق‌ها و مصاحبه‌هاست. اینجا هر فردی با هر نگرش سیاسی می‌تواند ارزیابی خود را داشته باشد. این یک روند قابل قبول، آزاد و طبیعی است که در همه کشورها هم وجود دارد که هر جریان سیاسی و هر فرد و طیفی بتوانند آزادانه نظر خود را مطرح کند. موضوع اینجا‌کاست که ما باید در سطوح تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرایی شاهد صدایی واحد باشیم. اینجا دیگر تشتت آرا و مواضع متفاوت از سوی مقامات اجرایی قابل دفاع نیست؛ چون بعد از سیاست‌گذاری و گرفته‌شدن تصمیمات لازم باید به شکل واحد این تصمیمات اجرا شود و اگر اختلاف‌نظر تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان وجود دارد، باید در خفا و غیرعلنی انجام شود. ما با طیف گسترده‌ای از رسانه‌ها، شخصیت‌ها، نمایندگان مجلس، کارشناسان و تحلیلگران مواجهیم که باید بتوانند آزادانه نظر خود را مطرح کنند، اما در کل باید یک نظم و انضباط برای اجرایی‌کردن سیاست‌ها در سطح مقامات تصمیم‌گیر و اجرایی وجود داشته باشد. همچنان که در کل دنیا بنا بر همین است. آن چیزی که برای طرف‌های مقابل تعیین‌کننده است، مواضع رسمی از طرف مقامات اجرایی است که باید هماهنگی لازمی با همدیگر داشته باشند، نه لزوماً نطق یک نماینده مجلس یا نظر یک کارشناس، روزنامه‌نگار و ...

کتاب‌شناسی

شماره تلفن انتشارات شرق

۰۲۱۸۸۹۴۲۰۳۵ | ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴

